

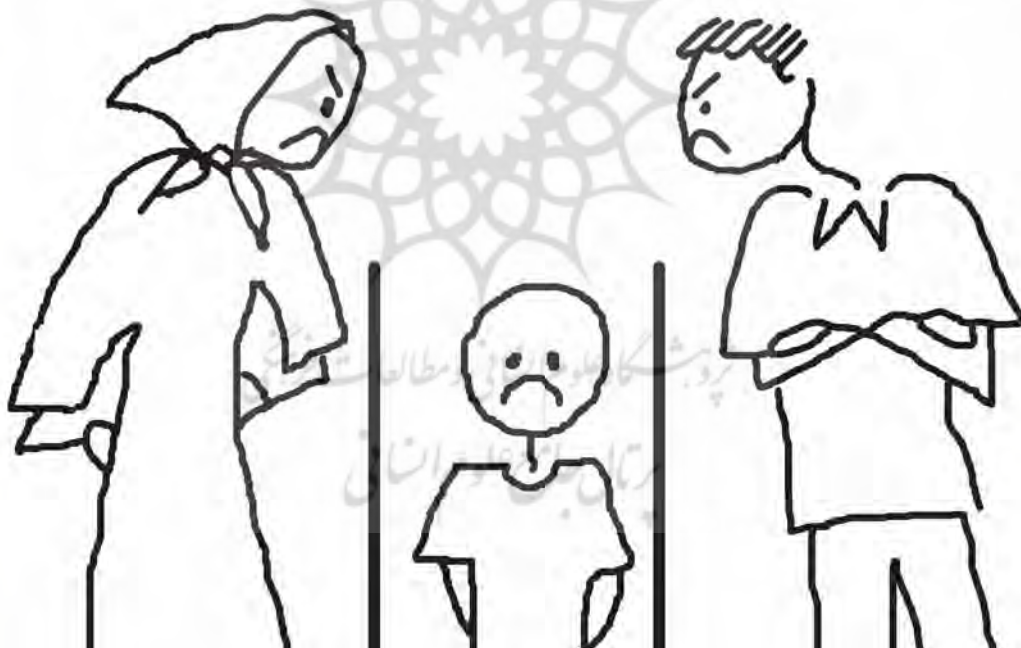
والدین سنگ‌سورچیه‌ها نیستند

کندوکاوی در رابطه‌ی افراد خانواده با یکدیگر در گفت‌وگو با مشاور و کارشناس جوانان آموزش و پرورش استان ایلام

گفت‌وگو: محمود همدانی

اشاره

ایلام از استان‌های محرومی است که از گذشته‌های دور پاره‌ای مشکلات آموزشی و تربیتی در آن دیده می‌شد. دفاع مقدس باعث شد که این مشکلات رو به کاهش بگذارند، اما پس از آن دوران، با شتاب‌گیری توسعه جهانی، مشکلات دوباره رو به فزونی رفته‌اند. مطلع شدیم که اداره کل آموزش و پرورش استان ایلام پست جدیدی را تحت عنوان «کارشناس جوانان» در نظر گرفته است تا با مشاوره با کارشناسان جوان بتواند با شناخت بیشتر این نسل، دغدغه‌های آنان را پاسخ گوید. برای آگاهی از چند و چون و کم و کیف این پست سازمانی به این اداره کل رفتیم و با علی بازدار، کارشناس جوانان اداره مذکور به گفت‌وگو نشستیم که حاصل آن را ملاحظه می‌کنید.



مشکلی که ما الان در استان ایلام و شاید در بسیاری جاهای دیگر هم داریم، این است که والدین نمی‌توانند آن طوری که باید با بچه‌هایشان ارتباط برقرار کنند و در کنار آن‌ها باشند. والدین سنگ‌صبور بچه‌ها نیستند. به نظر من مشکل اصلی، عدم ارتباط مناسب و دوسویه بین والدین و فرزندان است. در گفت‌وگوهایی که با دانش‌آموزان داشتیم، می‌گفتند با والدین راحت نیستند. در واقع والدین فضایی را به‌وجود نیاورده‌اند که بچه‌ها با آن‌ها راحت ارتباط برقرار کنند

○ تاکنون درباره نقش خانواده در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی

دانش‌آموزان در استان ایلام چه بررسی‌هایی شده است؟

● خانواده نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی دانش‌آموزان دارد و این امری کاملاً روشن و بدیهی است. اما بحث این که این نقش به چه اندازه و به چه نحو است. اگر کم‌رنگ یا پررنگ شده، چه چیزی جای‌گزين این ایفای نقش خانواده شده است و چرا. به نظر من در حال حاضر این بحث خیلی مهم است. گروه دوستان و یک‌سلسله از فناوری‌ها و رسانه‌های جمعی به نوعی نقش خانواده را بازی می‌کنند و ایفای نقش را از خانواده گرفته‌اند. در استان ایلام، حرف‌شنوی و الگوگیری جوان و دانش‌آموزان از دوستان و رسانه‌های جمعی بیشتر است تا خانواده! و این به معضلی تبدیل شده است. خانواده‌ها نمی‌توانند بچه‌هایشان را کنترل و هدایت کنند و بچه‌ها حرف‌شنوی ندارند.

○ آیا این شرایط را ناشی از اقتضای سنی جوانان نمی‌دانید؟

● بخشی از آن اقتضای سنی است، اما چه قدر؟ اوایل بلوغ شاید بگویم اقتضای سنی است، اما تا کجا؟ آن‌ها براساس چیزهایی که در ذهنشان دارند، می‌پوشند، می‌گردند و انتظارشان شکل می‌گیرد و در وجودشان نهادینه می‌شود. و وقتی آن‌ها را مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم کمتر سختی با ارزش‌ها و آن چیزهایی که از نظر والدین و خانواده‌ها هنجار و ارزش محسوب می‌شود، دارا هستند اما بی‌تردید شرایط جدید فرهنگ جهانی و تهاجم فرهنگ‌های وارداتی نقش مؤثری دارند.

○ نقش آموزش و پرورش در این وضعیت چیست؟

● مشکلی که ما الان در استان ایلام و شاید جاهای دیگر هم داریم، این است که والدین نمی‌توانند آن‌طور که باید با بچه‌هایشان ارتباط برقرار کنند و در کنار آن‌ها باشند. والدین سنگ‌سور بچه‌ها نیستند. به نظر من مشکل اصلی، عدم ارتباط مناسب و دوسویه بین والدین و فرزندان است. در گفت‌وگوهایی که با دانش‌آموزان داشتیم، می‌گفتند با والدین راحت نیستند. در واقع والدین فضایی را به‌وجود نیاورده‌اند که بچه‌ها با آن‌ها راحت ارتباط برقرار کنند. این مشکل در جامعه ایلام ما هم هست. حالا نقش آموزش و پرورش، تا چه حد است، جای بحث دارد. معضل فقدان ارتباط بین والدین و دانش‌آموزان جدی است. به نظر من آموزش و پرورش در این زمینه ضعیف عمل کرده و آموزش‌های لازم را به دانش‌آموزان و والدین نداده است البته کم‌لطفی از خانواده‌ها هم بوده است ما امیدواریم

نهادهای فرهنگی آموزش خانواده را در استان در اولویت قرار داده و ما را یاری رسانند.

○ نقش والدین (خانواده) در انتقال فرهنگ در جامعه ایلام

چگونه و چه اندازه است؟

● اگر بگویم ضعیف است، اشتباه نکرده‌ام. هر چند که خانواده نقش اساسی را در انتقال فرهنگ جامعه به فرزندان دارد، اما ما در این کار موفق نبوده‌ایم. لذا می‌بینیم که تعامل موفقی بین فرزند و والدین وجود ندارد. در ایلام ما، بسیاری از بچه‌ها آن مقدار زمانی را که با رایانه می‌گذرانند با پدر و مادر نمی‌گذرانند. حتی دور یک سفره نمی‌نشینند که شاید در آن حال و هوا گفت‌وگویی با هم داشته باشند و تبادل نظری کنند.

○ می‌فرمایید خانواده‌ها در استان ایلام اهمیت خاصی برای

استفاده فرزندان‌شان از فناوری قائل هستند؟

● به نظر من اهمیت می‌دهند، ولی این اجازه و آزادی استفاده از امکانات را باید کنترل و نظارت کنند که متأسفانه این‌طور نیست.

○ منظور شما از کنترل چیست؟

● یعنی در کنار فرزندان باشند. ما به زبان ساده می‌گوییم اینترنت می‌تواند نقش کارد آشپزخانه را داشته باشد؛ هم میوه پوست می‌کند هم آدمی را از پای درمی‌آورد. خانواده باید در کنار فرزند باشد و آموزش‌های لازم را به او بدهد. تا وقتی در فضای مجازی قرار می‌گیرد، از آن استفاده مطلوب داشته باشد.

○ شما این ظرفیت را خصوصاً در خانواده‌های ایلامی

می‌بینید؟

● یکی از دلایلی که گفتم فرهنگ استفاده درست از اینترنت ضعیف است، ناآگاهی والدین است. وقتی پای‌بند به مسائل مذهبی و اعتقادی و عرف جامعه باشیم و از این امکانات استفاده کنیم، هیچ مشکلی بروز نمی‌کند. چون به نظر من در این صورت در خانواده ارتباط خوب بین والدین و فرزندان وجود دارد.

○ تعریف شما که کارشناس امور جوانان اداره کل آموزش

و پرورش استان ایلام هستید، از جوان و نوجوان در استان

چیست؟

● بنده شش‌هفت ماه است که این عنوان را دارم و هیچ برنامه مشخصی هنوز نداریم. شاید به خاطر اتفاق‌های بسیاری که افتاد این پست را ایجاد کردند. در واقع می‌شود گفت هنوز برنامه خاصی نداریم.

اهداف و وظایفی که برای ما تعریف کرده‌اند، به تصمیم‌گیری در اداره کل کمک می‌کند؛ مخصوصاً در تصمیمات شورای معاونین که مشاور جوان هم باید حضور داشته باشد.

○ تعریف و نظر شما در مورد جوان چیست؟

● جوان ایلامی جوانی است که از بعضی چیزها رنج می‌برد؛ از بی‌کاری و از نبود سرمایه اجتماعی که در جامعه بیداد می‌کند. آن طوری که باید سرمایه اجتماعی و این اعتماد جا نیفتاده و روی آن کار نشده است. جوان ایلامی از محدودیت‌های دست‌وپاگیر برخی رسوم اجتماعی شکایت دارد، در عین این که بسیار با استعداد و با انرژی است.

○ نظر تان در مورد تأثیر خانواده بر دانش‌آموزان چیست؟

● مطمئناً تأثیر دارد. اعتقاد دارم که مهم‌ترین شرط برای ادامه تحصیل و مطالعه آرامش ذهنی و روحی است و یکی از مسائلی که در ایجاد این آرامش در فرزندان نقش اساسی دارد، استطاعت مالی خانواده است که باید او را پشتیبانی کنند تا در این مورد دغدغه نداشته باشد.

○ خواسته‌های جوانان ایلام چیست و آیا شما به عنوان مشاور و کارشناس جوانان خواسته‌های آن‌ها را به مسئولین انتقال می‌دهید؟

● خواسته‌های جوانان ایلامی برمی‌گردد به معلمان و فضاهای آموزشی. ما بیشتر این خواسته‌ها را به بخش‌های مربوطه منتقل کرده‌ایم که در بعضی موارد با اقبال خوبی مواجه شده‌ایم و بعضی موضوعات را هم اصلاً قبول نکرده‌اند.

○ نظر شما در مورد دانش‌آموز، خانواده، آموزش و پرورش و دفاع مقدس در استان ایلام چیست؟

● در این مورد انتظاری که می‌رود، تأثیرگذاری است که بیشترین تأثیر را در خانواده و آموزش و پرورش باید دید. دفاع مقدس بخشی از فرهنگ جامعه ماست و فرهنگ از طریق خانواده و آموزش و پرورش به نسل جوان ما منتقل می‌شود. من احساس می‌کنم در این امر مهم آموزش و پرورش کم کار بوده و چندان موفق نبوده است، اما خانواده‌ها نسبت به آموزش و پرورش بهتر و راضی‌کننده‌تر عمل کرده‌اند.

○ دغدغه‌های شما در امر آموزش و پرورش چیست؟

● در نحوه ارزش‌یابی معلمان باید تجدیدنظری شود. چون بنده به‌عنوان یک معلم جوان، به‌دلیل نداشتن سابقه، هر قدر هم کار خوب انجام دهم، به چشم نمی‌آید. چون جوانم و سنوات خدمتی‌ام پایین است، هیچ جایی در این امر ندارم. این نوع نگاه باعث می‌شود که انگیزه‌ها در جوانان از بین برود. به نظر من، بیشترین شاخصه‌ای که

باید به عنوان امتیاز مورد توجه قرار بگیرد، تغییر و تحول یا انقلابی است که یک معلم نمونه در کلاس درس ایجاد می‌کند. این‌ها ربطی به ۱۰ سال بیتوته کردن در منطقه محروم ندارد. کار شاخص امتیاز دارد، در حالی که با بیتوته کردن در منطقه‌ای محروم، من ممکن است فوق‌لیسانس هم داشته باشم و جانباز هم باشم، ولی کار معلمی‌ام را آن طور که باید انجام ندهم.

دغدغه دیگر تأمین معیشت است که مشکل معلمان ما در همه کشور به شمار می‌رود. این موضوع در همه کشورها هم اهمیت دارد. در کشوری مثل فرانسه، وقتی رییس‌جمهور سابق آقای ژاک شیراک با نمایندگان مجلس چالش پیدا می‌کند، معلم بودن خودش را به رخ می‌کشد و به آن‌ها می‌گوید فکر نکنید که من مثل شماها از «سوربن» فرانسه فارغ‌التحصیل شده‌ام (هرچند این دانشگاه خیلی معتبر است). او افتخار می‌کند من یک معلم هستم، چرا که جایگاه معلمی در جامعه حفظ شده است. حداقل از لحاظ معیشتی و اقتصادی در معلمان اعتماد به نفس وجود دارد حفظ شأن و منزلت اجتماعی آن‌ها حفظ شده است. این یک مسئله و عامل است و از عامل‌های مهم و تعیین‌کننده هم می‌باشد.

وقتی به کلاس می‌روم و از دانش‌آموزان می‌پرسم دوست دارید در آینده چه شغلی داشته باشید، از ۱۰ دانش‌آموز، ۹ نفر می‌گویند مهندس و دکتر. می‌پرسم چرا معلمی نه، می‌گویند معلم وضعیت خوب نیست. وقتی به آن‌ها می‌گویم معلمی شغل انبیاست و کار انبیا هدایت و ساختن انسان‌هاست تا انسان تکامل پیدا کند، به خدا برسد و مقرب درگاه شود، جذابیتی برای آن‌ها ندارد. معلم با مشکلات مالی و شکم گرسنه نمی‌تواند به اهدافی که برایش تعیین کرده‌ایم برسد.

○ برای کم شدن دغدغه‌های دانش‌آموزان دختر و پسر در استان ایلام فکر می‌کنید آموزش و پرورش چه باید انجام دهد؟

● مدیر کارشناس استانی باید برود در دل مدارس من می‌گویم آموزش و پرورش بیشتر اداره است. در حالی که باید برود در لایه‌های زیرپوستی آموزش و تربیت جاری در کلاس‌ها و مدارس. امروزه متأسفانه، بین معلم و دانش‌آموز، بین معلم و مدیر، و بین مدیر و اداره فاصله افتاده است که این فاصله باید کم شود. باید بنشینند، با بچه‌ها حرف بزنند و دغدغه‌هایشان را از نزدیک ببینند؛ بدون هیچ ترس و واژه‌های. بین اولیا و دانش‌آموزان هم ارتباط صادقانه‌ای وجود ندارد. بین اولیا و مدرسه، و بین معلمان و مدیران باید فاصله کم شود و ارتباط بهتری برقرار شود.